

## تاریخ زندان

تقديم به والدين، همسر و فرزندانمان

مؤلفان

---

---

# تاریخ زندان

در عصر قاجار و پهلوی

ناصر ربیعی

احمد راهرو و خواجه





انتشارات قنوس

تهران، خیابان انقلاب، خیابان شهدای ژاندارمری،

شماره ۱۰۷، تلفن ۴۰ ۸۶ ۴۰ ۶۶

\* \* \*

تاریخ زندان

در عصر قاجار و پهلوی

ناصر ربیعی

احمد راهرو خواجه

چاپ اول

نسخه

۱۳۹۰

چاپ شمشاد

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۵ - ۹۶۴ - ۳۱۱ - ۹۶۴ - ۹۷۸

ISBN: 978 - 964 - 311 - 964 - 5

[www.qoqnoos.ir](http://www.qoqnoos.ir)

*Printed in Iran*

تومان

## فهرست

مقدمه..... ۱۱

### بخش نخست: زندان و زندانیان در عصر قاجار

۱۵	۱. دادگستری در عهد قاجار.....
۲۱	۲. اندیشه‌های کیفری در عهد قاجار.....
۲۱	اصول حاکم بر جرایم.....
۲۲	انواع کیفرها.....
۲۳	خصوصیات کیفرها.....
۲۳	اصل شخصی بودن مجازات‌ها.....
۲۴	اهداف مجازات‌ها.....
۲۷	۳. چگونگی بازداشت‌ها و اجرای کیفرها.....
۳۱	۴. وضعیت زندان‌ها.....
۴۳	۵. حقوق‌مداری در زندان‌های قاجار.....
۴۹	۶. شکنجه‌های زندانیان در عهد قاجار.....
۵۰	چین.....
۵۰	اسپانیا.....
۵۱	فرانسه.....
۵۲	روم.....

۵۲	یونان.....
۵۲	ایران (دوره قاجار).....
۶۳	۷. حبسیه و حبسیه سرایان.....
۶۴	محمود کلهر (وفات ۱۲۶۵ ه.ق.).....
۶۵	یغمای جندقی (۱۱۹۶ - ۱۲۷۶ ه.ق.).....
۶۷	شیخ‌الرئیس قاجار (۱۲۶۴ - ۱۳۳۶ یا ۱۳۳۸ ه.ق.).....
۷۱	۸. زندانیان معروف دوره قاجار.....
۷۱	میرزا آقاخان کرمانی (۱۲۷۰ - ۱۳۱۳ ه.ق.).....
۷۴	میرزا رضای کرمانی (مقتول ۱۳۱۴ ه.ق/ ۱۸۹۶ م.).....
۷۶	قائم‌مقام فراهانی (۱۱۹۳ - ۱۲۵۱ ه.ق.).....
۷۸	قاضی قزوینی.....
۸۱	مجدالاسلام کرمانی (ولادت ۱۲۸۸ ه.ق. وفات ۱۳۰۲ ش.).....

### بخش دوم: زندان در عصر پهلوی

۹۱	۱. زندان و زندانیان در زمان رضا پهلوی.....
۹۵	۲. زندان‌های معروف تهران در عصر پهلوی.....
۹۵	زندان نمره یک یا محبس تاریک.....
۹۹	زندان نمره دو.....
۱۰۱	زندان موقت.....
۱۰۴	زندان قصر.....
۱۱۲	اولین رئیس‌نظمیه و افتتاح زندان قصر.....
۱۱۳	اداره محبس.....
۱۱۴	زندان اوین.....
۱۱۸	زندان قزل‌قلعه.....
۱۲۰	زندان زنان.....

۱۲۱	دارالتأدیب
۱۲۳	بازداشتگاه وزارت دادگستری
۱۲۳	زندان اداره کل ثبت
۱۲۳	زندان جمشیدیه و عشرت آباد
۱۲۴	زندان کمیته ضد خرابکاری
۱۲۵	دیگر زندان‌ها
۱۲۷	۳. زندان در شهرستان‌ها
۱۲۹	زندان برازجان
۱۳۱	زندان قلعه فلک‌الافلاک (لرستان)
۱۳۵	همدان
۱۳۷	کرمانشاه
۱۳۸	شیراز
۱۳۸	خوزستان
۱۴۱	خراسان
۱۴۳	اصفهان
۱۵۳	تبریز
۱۵۵	۴. نظام‌نامه‌های محابس و زندانیان
۱۵۶	نظام‌نامه محابس و توقیفگاه‌ها
۱۶۲	نظام‌نامه زندانیان
۱۶۵	۵. وضعیت داخلی زندان‌ها
۱۸۹	۶. سیاست حاکم بر زندان‌ها
۱۹۵	۷. طبقه‌بندی جرایم زندانیان در دوره رضا شاه
۱۹۹	۸. آزادی زندانیان سیاسی از زندان رضا شاهی
۱۹۹	اولین اعتصاب غذایی زندانیان
۲۰۳	۹. زندانبانی و زندانبانان پهلوی
۲۰۶	رکن‌الدین مختاری

۲۰۶	پزشک احمدی
۲۰۸	آرش
۲۱۰	تهرانی
۲۱۵	۱۰. زندانیان مشهور دوره رضا شاهی
۲۱۷	ملک الشعرا بهار
۲۲۰	محمد فرخی یزدی
۲۲۴	سید حسن مدرس
۲۲۵	نصرت الدوله فیروز
۲۲۹	سردار اسعد بختیاری
۲۳۰	تیمورتاش
۲۳۱	وکیل الملک دیبا
۲۳۲	خان بابا اسعد بختیاری
۲۳۴	علی دشتی
۲۳۹	۱۱. شکنجه‌های زندانیان در عصر پهلوی
۲۴۰	شلاق و دستبند قپانی
۲۴۲	کلاهخود
۲۴۲	گیره
۲۴۲	اجاق برقی
۲۴۳	تانگوی تخم مرغ داغ
۲۴۳	گیوتین
۲۴۴	بی خوابی
۲۴۴	تجاوز جنسی
۲۴۵	سوزاندن با سیگار
۲۴۶	از جا در آوردن کتف
۲۴۷	انداختن مار روی زندانیان
۲۴۷	شوک الکتریکی - سوزن‌های داغ - کشیدن ناخن‌ها



۲۴۸	استعمال بطری ادرار در دهان
۲۴۸	آتش زدن زندانی
۲۴۹	بشکه‌های شیشه‌خورده - قطره‌های آب سرد
۲۴۹	اره برقی
۲۴۹	اتاق فوتبال
۲۵۰	جوخه آتش
۲۵۰	موی اسب
۲۵۱	معلق نگاه داشتن
۲۵۱	شکنجه‌های روحی
۲۵۳	منابع و مأخذ
۲۵۷	نمایه



## مقدمه

بی‌تردید علم تاریخ قدمتی به اندازه عمر بشر دارد. تاریخ به مثابه چراغی است که با روشن نمودن محیط، مسیر زندگی را به انسان‌ها نشان می‌دهد. هرچند که موضوعات تاریخی بالقوه برای جامعه انسانی مفید و عبرت‌آموزند، برخی زمینه‌های تاریخی از اثربخشی و اهمیت بیش‌تری برخوردارند به طوری که این موضوعات توجه تاریخ‌نگاران و محققان را به خود معطوف داشته‌اند.

در این میان، تاریخ معاصر و حوادث و رویدادهایی که در اعصار و قرون اخیر رخ داده از حساسیت و ویژگی قابل توجهی برخوردار است زیرا علاوه بر دقت و صحت، به لحاظ زمانی و مکانی با زمان حال قرابت و نزدیکی بیش‌تری دارند و احتمالاً بررسی و اطلاع از حوادث آن دوران می‌تواند اثرگذاری بیش‌تری بر مخاطبان داشته باشد.

تاریخ قضایی و نحوه ایجاد و تطور عدلیه در ایران به‌ویژه در دوره‌های معاصر، سلسله‌های قاجار و پهلوی، در عین اهمیت کم‌تر مورد توجه مورخان و حتی افرادی که در حوزه‌های مرتبط بوده‌اند، قرار گرفته است. توجه به این موضوع، نگارندگان را بر آن داشت تا با تحقیق و تفحص، از طریق مراجعه به اسناد مستند و دست اول، کتب و متون تاریخی قابل استناد و همچنین آرشیوها و منابع معتبر، مجموعه‌ای تاریخی از شرایط، خصایص، ویژگی‌ها و وضعیت قوانین و مقررات کیفری و نحوه مجازات و وضعیت زندان‌ها در آن زمان را مهیا سازند.

با بررسی شرایط از منظر قوانین و مقررات در دوره قاجار چنین استنباط می‌شود که در آن دوره، به علت نبود قوانین و مقررات خاص، در اجرای کیفرها به صورت سلیقه‌ای عمل می‌شد. البته در دوره قاجار، فقدان نظام حکومتی منسجم و متمرکز و به تبع آن، نبود نظام کیفری منسجم و اصلاح‌مدارانه، باعث شده بود تا حکام محلی و منطقه‌ای، هر کدام بر

اساس سطح توان و سلايق شخصي، اقدام به محاکمه و اجرای احکامی نمایند که عمدتاً ظالمانه و به دور از شئون انسانی بوده است. به تدریج و به ویژه در دوره پهلوی با ایجاد حکومت مرکزی و برچیده شدن نظام حکومتی به سبک سنتی و ملوک الطوائفی و صد البته رسوخ افکار انسان‌گرایانه کشورهای غربی که به دنبال سفرهای خارجی و کمک‌های آنان ایجاد شده بود، اولین نظام‌نامه محابس در سال ۱۳۰۴ تدوین و تصویب گردید و پس از آن زندان‌ها به شکل مدرن آن زمان ساخته شدند. هرچند که تا آخرین روزهای پهلوی دوم نیز وضعیت دادگستری و زندان‌ها مطلوب نبود، حداقل اصلاحاتی در جهت بهبود وضعیت زندان‌ها و زندانیان در حد شکلی صورت پذیرفته بود.

با این اوصاف، انتظار می‌رود با توجه به خلأ بسیار و کمبود قابل توجه در منابع تاریخی معتبر در زمینه زندان و زندانیان و مسائل مربوط به آن، این کتاب بتواند برای علاقه‌مندان و پژوهشگران عرصه‌های جرم‌شناسی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و فعالان حقوق بشر و متولیان اصلاح و تربیت، قضات، استادان دانشگاه و دانشجویان رشته‌های حقوق و کیفرشناسی منبع قابل استفاده‌ای باشد.

اکنون که با تمام سختی‌ها و ناهمواری‌هایی که در گردآوری، تحقیق، تألیف و تدوین این اثر وجود داشت، موفق شدیم این مجموعه را به زیور طبع آراسته کنیم، پروردگار سبحان را سپاس می‌گوییم و بر خود وظیفه می‌دانیم از تلاش و مساعی کلیه کسانی که یاریگر ما بوده‌اند تشکر نماییم. به طور قطع در این راه عزیزان بسیاری همراهی و همکاری نموده‌اند که ذکر اسامی همه آنان مقدور نیست، اما جا دارد از زحمات عزیزان اندیشمند جناب آقای حشمت‌الله عزیزی و جناب آقای نادر باستانی تشکر ویژه داشته باشیم. همچنین لازم می‌دانیم از مدیرمسئول فرهیخته انتشارات ققنوس جناب آقای امیر حسین زادگان که از راهنمایی و تجربیات ارزنده‌شان ما را بهره‌مند ساخته‌اند نیز صمیمانه قدردانی نماییم. امید است انتشار این کتاب مورد توجه و استفاده جامعه حقوقی، قضایی و دانشگاهی و نیز قشر علاقه‌مند به مسائل تاریخی کشور قرار گیرد.

ناصر ربیعی، احمد راهرو و خواجه

زمستان ۱۳۸۹

## بخش نخست

زندان و زندانیان در عصر قاجار



## دادگستری در عهد قاجار

قبل از پرداختن به مسئله زندان و زندانیان در دوره قاجار، لازم است مقررات و قوانین حقوقی و کیفری را در عهد قاجار به اختصار مرور کنیم.

وقایعی که در این دوره اتفاق افتاد بیش از هر زمان دیگری در جامعه ایرانی تأثیر گذاشت به خصوص نیمه دوم قرن سیزدهم هجری قمری که مقارن با دوره سلطنت ناصرالدین شاه (۱۲۶۴-۱۳۱۳ ه.ق.) است، دورانی که ریشه‌های تمامی تحول‌های بعدی را می‌توان در آن بازیافت. در همین دوران است که تکوین حقوق جدید ما آغاز شد، سپس در زمان مشروطیت شکل گرفت و از آن پس طی دوره‌های مختلف دچار فرازونشیب‌هایی شده است. در گذر از این دوره نباید به دنبال قوانین منظم کیفری بود، زیرا هنوز حکومت استبدادی‌ای که به سبک ملوک‌الطوایفی اداره می‌شد، مانع از تحقق این امر می‌شد، بلکه ریشه‌های حقوق موضوعه ایران را باید در سال‌های قبل از ۱۳۲۴ ه.ق یعنی تاریخ اعطای مشروطیت جستجو کرد و این کاوش را باید تا زمانی ادامه داد که روابط ایران و اروپا گسترش یافته و امواج فرهنگ جدید مغرب‌زمین، افکار متفکران قرن هجدهم فرانسه را به کشور ما منتقل کرده است. بنابراین اندیشه‌های کیفری به شکل علمی و توسعه یافته‌اش در غرب، در ایران آن زمان وجود نداشت و فقط اندیشه‌ها و تصورات هیئت حاکم پیرامون مباحث و مسائل کیفری وجود داشت.

همچنین در دوره حکومت قاجار قوانین و نظام ثابتی در سراسر مملکت حاکم نبود، بلکه اداره امور، محلی و بیش‌تر بر حسب عرف و با قوانین عادی صورت می‌گرفت و مجریان آن عبارت بودند از: شاه و نواب او، والیان، حکام و دیگر مأموران محلی و کدخدایان. اوامر ایشان با اعمال زور و قدرت اجرا می‌شد و به گفته سرجان ملکم به سرعت و به دلخواه خود تصمیم می‌گرفتند و چون به ندرت وقت خود را صرف رسیدگی به مدارک و

شواهد می‌کردند، حتی اگر قصد اجرای عدالت را نیز داشتند همواره احتمال داشت که مرتکب بیدادگری شوند. عمال حکومت بر حسب خوی و مشرب سلطان مستبد زمان رفتار می‌کردند؛ اگر او شخصی بیدار و پرهیزگار بود (که هرگز نبود)، زیردستانش کوشا و دادگر بودند و اگر وی آزمند و ستمگر بود، آن‌ها رشوه‌خواری و سنگدلی را پیشه می‌کردند. کدخدایان مجاز بودند تا مجازاتی خفیف‌تر نسبت به زیردستان روا دارند و جریمه‌های مختصری را بر آنان تحمیل کنند. اگر جرم مهم بود، مجرم را نزد ضابط و محصل مالیات محل می‌فرستادند و هرگاه دعوا یا جرمی مهم از لحاظ اهمیت ملک، مال، رتبه و مقام اصحاب دعوا، یا فجیع بودن نوع جنایت رخ می‌داد، مافوق اختیارات کدخدایان بود و آن را به حاکم ارجاع می‌دادند. ماهیت دعوا، حدود قلمرو محاکم عرف را به‌وضوح مشخص نمی‌کرد، اما میل غالب بر این بود که بر دامنه قلمرو آن‌ها افزوده شود.<sup>۱</sup>

سرجان ملکم که در عهد فتحعلی شاه دوباره به ایران سفر کرده بود، در باره وضع دادگستری در ایران نوشته است:

حدی مابین کارهای شرع و عرف نیست، و این عدم تحدید مناسب مصلحت پادشاه و ارکان دولت است. اگرچه امور واقعه در ملک غالباً از شرع به عرف و از عرف به شرع رجوع می‌شود، ولیکن تمسکات و قبالات در معاملات و نکاح و طلاق باید به استحضار علمای شرع نوشته شود و در محضر امنای عرف به طور بینه به کار می‌رود، و حاکم عرف نیز هر وقت مصلحت شخصی یا ملکی اقتضا کند، مثل این فیصله امر سبب نزاع با شخص متشخص تر از خود شود... دعوا را به اولیای شرع رجوع می‌کنند. دعوی در ایران اعم از عرفی یا شرعی به سرعت پایان می‌یابد و به صورت ظاهر طرح دعوی خرجی ندارد، ولی به طور پنهانی حکم نهایی به زور رشوه صادر می‌شود، در ایران پادشاه فوق قاعده و قانون قرار دارد و به حکم قدرت پادشاهی وی قادر به سلب ارواح و ضبط اموال هر یک از رعایاست، ولی در امور شرعیه علمای دین اقدام می‌کنند. در مورد سرقت به دستور آیه (السارق و السارقه فاقطعوا ایدیهم...) <sup>۲</sup> قطع دست سارق در قرآن وارد است، لکن به‌ندرت اجرای این حکم می‌کنند، مگر در صورتی که مال مسروقه بسیار و موضوع مهم باشد، در مورد قتل، پس از اقامه شهود و بینه و اثبات جرم، قاتل را به وراثت مقتول می‌سپارند تا هر نوع که خواهد با وی سلوک کند.

احکام شرع در ممالک اسلامی یکسان است، لکن احکام عرف بر حسب اوضاع

۱. سرجان ملکم، تاریخ ایران، ترجمه اسماعیل حیرت، (تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۲)، ص. ۴۲۶.

۲. قرآن مجید، سوره مائده، آیه ۳۸.



اجتماعی و نوع حکومت در ممالک مختلف فرق می‌کند، جریمه کردن، تازیانه زدن، چوب زدن در خطاهای جزئی معمول است. کندن چشم مدت‌هاست که سبب رسوایی ایران است، گاه شهریاری چون آقامحمدخان مردم شهر را برای عبرت دیگران نابینا می‌کند، زنان به‌ندرت مورد سیاست و عقوبت قرار می‌گیرند، چندی قبل زنی در تبریز شوهر خود را مسموم کرد، حکم شد میرغضب او را از بالای برج به زیر اندازد.<sup>۱</sup>

درووایل که در عهد فتحعلی شاه (۱۲۱۲ - ۱۲۵۰ ه. ق.) به ایران آمده بود، در باره دادگستری ایران در آن دوره نوشته است:

... در ایران امر قضاوت را دستگاه بسیار ساده‌ای بر عهده دارد. در ایران از مشاور حقوقی، وکیل دعاوی، بازپرس و دادستان اثری نیست. دستگاه دادگستری ایران در سه مرحله تقسیم شده است که قضاوت فی‌المجلس و بدون پژوهش و استیناف انجام می‌گیرد:

۱. انجام وظایف پلیس و رسیدگی به منازعات مردم با داروغه‌هاست. داروغگان در بازارها قرارگاه خاصی دارند و به شکایات مردم رسیدگی می‌کنند و به محض تسلیم شکایت، تحقیقات آنان شروع و معمولاً تا یک ساعت بعد از شکایت، مجرم مجازات می‌شود.

۲. رسیدگی به جرایم راهزنی و حل اختلاف‌های مالی، طلاق و متارکه بر عهده قاضیان است. قضات مقام ارجمندی دارند و غالباً از میان اشخاص روشن‌بین و پاکدامن انتخاب می‌شوند.

۳. سومین مرحله دستگاه قضایی ایران مراجعه به شخص شاه است... مجازات‌هایی که معمولاً شاه مجرمان را بدان محکوم می‌کرد به سه نوع است: چوب‌کاری بر کف پا، بریدن گوش و دماغ و بالاخره جزای اعدام... اجرای مجازات اول و دوم به عهده فراشان و اجرای حکم اعدام وظیفه غلامان است...<sup>۲</sup>

این شکل از رسیدگی عرفی بود، اما دو نهاد دیگر هم در آن دوران وجود داشتند که به حل و فصل دعاوی می‌پرداختند: یکی نحوه رسیدگی به دعاوی در میان عشایر و دیگری محکمه شرع است که در ذیل به آن می‌پردازیم:

قوانین عرفی در میان عشایر به طور اصولی با قوانین معمول در میان سایر مردم تفاوت داشت و شورایی از ریش سفیدان به دعاوی رسیدگی می‌کردند و در مورد اختلاف‌های

۱. تاریخ ایران، ص. ۱۵۷.

۲. گاسپار دروویل، سفرنامه دروویل، ترجمه جواد محبی، (تهران، گوتنبرگ، ۱۳۳۷)، ص. ۱۸۳.

ملکی، شورای مزبور از زمینداران عمده تشکیل می شده است.<sup>۱</sup> در محضر شرع غیر از رسیدگی به اختلافها چنانکه پیش از این اشاره شد، معاملات و عقود نیز ثبت و ضبط می شد و اسناد معامله و نکاح و طلاق را تنظیم می کردند، ولی به همان شیوه عصر صفوی، از دخالت در احداث اربعه یعنی قتل، هتک ناموس، سرقت و جرح منع می شدند. در محضر شرع به طور معمول افراد باسواد و صاحب صلاحیت کار نوشتن اسناد و احکام را به عهده داشتند.<sup>۲</sup>

با این حال، حد فاصل کارهای شرع و عرف معین نبود و این معین نبودن حدود، به مصلحت شاه بود. مثلاً امور واقعه در ملک غالباً از محضر شرع به عرف و از محکمه عرف به محضر شرع رجوع می شد. حاکم عرف نیز هر وقت مصلحت شخصی یا ملکی اقتضا می کرد، مثل این که فیصله امر سبب رجوع به شخص متشخص تر از خود شود، دعوا را به اولیای شرع ارجاع می داد.

در دهکده‌ها نیز غالباً همین رویه معمول بود؛ ریش سفیدان به موضوع دعوی رسیدگی می کردند و نتیجه را به کدخدا یا والی ده اطلاع می دادند تا به رفع دعوی اقدام کند. کم تر اتفاق می افتاد که دعاوی در دهکده‌ها به محاکم عرف کشیده شود.<sup>۳</sup>

البته در دوره صدارت امیرکبیر (وفات ۱۲۶۸ ه. ق.) تحولاتی هرچند کوتاه مدت در نظام قضایی کشور صورت گرفت. در دوره امیرکبیر امر قضاوت در دست دو دستگاه متمایز، یعنی محضر شرع و دیوانخانه بود؛ محاضر شرع به استناد فقه اسلامی به دعاوی شرعی رسیدگی می کردند و اداره آن‌ها در دست فقیهان و مجتهدان وقت بوده است، در حالی که، دیوانخانه به امور عرفی می پرداخت و کارگزاران دولتی آن را اداره می کردند. امیر مصمم بود که به تدریج سازمان قضایی ایران را سر و سامانی بدهد و برای اجرای نقشه خود به کارهای ذیل اقدام کرد:

#### ۱. اصلاح محضر شرع؛

۱. تاریخ ایران، ص. ۴۲۶. ۲. محیط طباطبایی، دادگستری در ایران،...

۳. طبیبی انگلیسی به نام دکتر ویلز، که مربی پسران ظل السلطان بود، نقل می کند: «یک نوع قضاوت دیگری هم هست که به نظر می آید بهتر از سایر انواع باشد و آن چنین است که، ریش سفیدان محل جمع می شوند و به شکایت رسیدگی می کنند و سرانجام حکمی می دهند که اغلب طرفین دعوا آن را می پذیرند و رأی این هیئت منصفه را شیخ الاسلام هم تصدیق و امضا می کند. این نوع قضاوت با تعارفات و پیشکش‌های کم تری صورت می گیرد و در صورتی که طرفین تابع ریش سفیدان نشوند، موضوع دعوا به محاکم شرعی یا عرفی رجوع می شود. در دهکده‌ها نیز اغلب همین رویه معمول است. ریش سفیدان به موضوع دعوا رسیدگی می کنند و نتیجه را به کدخدا یا به ملای ده اطلاع می دهند تا در رفع دعوا اقدام کند. کم تر اتفاق می افتد که دعاوی دهکده‌ها به محاکم عرفی کشیده شود.»

۲. بنای دیوانخانه عدالت؛
  ۳. رسیدگی به دادخواهی مردم بر ضد دولت؛
  ۴. رسیدگی به دعاوی اقلیت‌های مذهبی؛
  ۵. برانداختن رسم شکنجه متهمان.
- البته این‌گونه اقدام‌ها در دوران کوتاه صدارت وی آغاز خوبی به شمار می‌رفت، ولی چون ساختار اداری لازم را نداشت با مرگ امیر ضعیف و سست شد.<sup>۱</sup>

---

۱. مرتضی راوندی، سیر قانون و دادگستری در ایران، (تهران، چشمه، ۱۳۶۸)، ص. ۲۴۵.



## اندیشه‌های کیفری در عهد قاجار

### اصول حاکم بر جرایم

جرایم در این دوره بر مبنای همان تقسیم‌بندی‌ای بود که در حقوق اسلام وجود داشت. یعنی نوع کیفری که فرد بدان محکوم می‌شد، تعیین‌کننده انواع جرایم بود: قصاص، حدود، دیات و تعزیرات. لیکن این جرایم و اجرای آن فقط در محکمه شرع معنا و مفهوم داشت و خارج از آن اصولاً کاربرد نداشت. به عبارت دیگر، به دلیل استقرار نظام استبدادی و ملوک‌الطوایفی و خودرأیی حکام، فعل یا ترک فعلی جرم محسوب می‌شد که بر خلاف میل و سلیقه و عقیده طبقه حاکم می‌بود؛ تشخیص مصلحت نظام موجب می‌شد عملی که تا دیروز مباح و کاملاً عادی بود و حقوق فطری مردم محسوب می‌شد، روز بعد جرمی محسوب شود که مجازاتش، مجازات محاربه و ضدیت با حکومت باشد، یا جرمی به حساب آید که مجازاتش (به دلیل این‌که سابقه و نص قانونی ندارد) تابع حال و احوال شاه در نظر گرفته شود.

این مطلب در مورد محاضر شرع نیز صدق می‌کرد، بدین ترتیب که فعل یا ترک فعلی که مباح و حلال بود، با فتوای یک مرجع یا حاکم شرع مکروه یا حرام اعلام می‌شد. هیچ بعید نبود که اعمال ارتكابی سابق نیز در مظان تعقیب و مجازات قرار گیرد. مورد جرم بیش از اصل و نوع جرم برای طبقه حاکمه اهمیت داشت؛ اگر چنانچه مثلاً کسی از روی سهو و خطا سنگریزه‌ای به طرف کالسکه یا مرکب شاه و شاهزاده یا والی و حکمران محل پرتاب می‌کرد، بی‌درنگ و بدون چون و چرا به قتل می‌رسید.<sup>۱</sup> ولی اگر کسی با قصد و اراده کسی از مردم عادی را می‌کشت، می‌توانست با پرداخت خونبها به ورثه مقتول یا دادن رشوه به حاکم

۱. محمدتقی سپهر، ناسخ التواریخ تاریخ قاجاریه، به اهتمام جمشید کیانفر، (تهران، اساطیر، ۱۳۷۷)، ص. ۴۱.

شرع از مجازات رهایی یابد، یا در خانه یکی از مجتهدان طراز اول بست بنشیند تا با وساطت مجتهد و مرور زمان موجبات استخلاص از قصاص او فراهم آید. در مورد جرایمی که افراد متنفذ و وابستگان به دستگاه حکومت مرتکب می شدند، حتی پرداخت خونبها یا اقدامی دیگر هم ضرورت نداشت. بدین ترتیب نمی توان جرایم خاصی را نام برد و محدود کرد و به طوری که خواهیم گفت، مجازات نیز به همین شکل اعمال می شده و فاقد تعیین و تحدید بوده است.

## انواع کیفرها

رأی کیفرها بسته به این که چه مقام یا چه مرجعی صادر می کرد، احکام متفاوتی داشت. با عنایت به این موضوع، ابتدا احکام صادر شده از جانب محکمه شرع و سپس آرای مربوط به محکمه عرف را بررسی می کنیم:

۱. اگر مدعیان شرع و دین (محکمه شرع) به جرایم رسیدگی می کردند، سعی می کردند احکام و آرای شرعی و فقهی را اجرا کنند. البته اغلب آنان تظاهر می کردند، مثلاً قطع دست سارق به حکم آیه قرآن کم تر اجرا می شد، مگر در مواردی که مال مسروقه بسیار مهم می بود. در مورد قتل، پس از اقامه شهود و بینه و اثبات جرم، قاتل را به وراثت مقتول می سپردند تا هر نوع که می خواهند با او رفتار کنند.

۲. حکمی که از محکمه عرف صادر می شد، بر حسب اوضاع اجتماعی و نوع حکومت در ممالک مختلف فرق می کرد. جریمه کردن، تازیانه زدن، چوب زدن در خطاهای جزئی و حتی درآوردن چشم (گاه شهریاری چون آقامحمدخان مردم شهر را برای عبرت دیگران نابینا می کند)<sup>۱</sup> متداول بود.

در باره کیفر یاغیان، از جمله کسانی که در لشکر یا دربار در فکر توطئه و طغیان بودند در صورتی که به سختی مجازات نمی شدند، آن ها را به چوب تازیانه می بستند، لباس زنانه می پوشاندند، سرخاب و سفیداب غازه می کردند، دور اردوی شاهانه می گرداندند و بعد هم کور می کردند.<sup>۲</sup> اما مجازات جرایم کم اهمیت، قطع انگشتان دست یا تمام دست از مچ، بریدن گوش و معمول ترین آن ها تازیانه و فلک کردن بود.

۱. تاریخ ایران، ص. ۱۵۲. ۲. سیر قانون دادگستری در ایران، ص. ۲۴۳.

## خصوصیات کیفرها

با دقت و بررسی در زمینه مجموع حوادث و اتفاقات تاریخی و متون تاریخی در باره انواع مجازات‌ها و نحوه اجرای آن‌ها، می‌توان خصوصیات کیفرهای آن دوره را در چند بند بیان کرد:

۱. نامعین بودن کیفرها: چون هیچ‌گونه قانون مدونی وجود نداشت، هیچ کس نمی‌دانست

که چه مجازاتی در پی ارتکاب جرمی اجرا می‌شود.

۲. سلیقه‌ای بودن کیفرها: نوع مجازات بنا بر نظر شاه، خان، آخوند یا حاکم شرع، شیخ و ریش سفید تعیین می‌شد و تا حدودی همه افراد جامعه آن زمان از این‌که در مورد یک جرم واحد مجازات‌های متفاوتی اعمال می‌شد، اعتراض و شکوه‌ای نداشتند. این امر که کیفر تابع میل و هوس حاکم باشد و هیچ قانون یا نص خاصی وجود نداشت تا اختیارات ایشان را محدود و منظم کند برای مردم، معمول و کم و بیش پذیرفته شده بود.

۳. متنوع بودن کیفرها: نظر و خلاقیت حاکم بود که در مجازات‌ها به کیفری رسمیت می‌بخشید و بعضی اوقات مورد اعمال دیگر حکام در ولایات قرار می‌گرفت. بدین لحاظ کیفرها بسیار متعدد و متنوع بودند.

۴. عدم تناسب میزان مجازات با جرم: شدت و خشونت بسیار از خصوصیات مجازات‌ها بود. مثلاً شهادت دروغ با آن‌که بسیار رایج بود، همه از مجازات بسیار خشن آن می‌ترسیدند، یا در مورد ناوایی که نان را اندکی گران‌تر از نرخ معمول می‌فروخت، زبانش را از بیخ می‌بریدند.<sup>۱</sup>

## اصل شخصی بودن مجازات‌ها

در بررسی تحولات قضایی دوران قاجار تا قبل از آغاز نهضت قانونگذاری، اصل شخصی بودن مجازات‌ها رعایت نمی‌شد و مسئولیت مجرمان عملاً اعضای خانواده و بستگان آنان را نیز در بر می‌گرفت. مثلاً می‌توان به مکتوب مجدالاسلام به ناظم‌الاسلام کرمانی که در کتاب تاریخ بیداری ایرانیان آمده، اشاره کرد. وی در بخشی از نامه خود آورده است:

... آخر برادر عزیز فکر کن برای چه نصف شب به خانه من ریختند؟... خانواده من چه گناهی

---

۱. آبراهام جکسون و ویلیامز والتاین، سفرنامه جکسون؛ ایران در گذشته و حال، ترجمه منوچهر امیری و فریدون بدره‌ای، (تهران، خوارزمی، فرانکلین، ۱۳۵۲)، ص. ۳۱۸.

داشتند؟ اموال را چرا بردند؟... از همه گذشته، چرا مدت حبس را معین نکردند؟<sup>۱</sup>

همچنین در کتاب مذکور در ماجرای قتل مهدی گاوکش آمده است:

یک روزی وی در قهوه‌خانه به عین‌الدوله بدگفته بود و راپورت کارهایش را به عین‌الدوله دادند، لذا وی در پی بهانه بود که شنید مهدی گاوکش علناً در حضور جمعی از مردم اعمال سیئه او را ذکر نموده، به این جهت عده‌ای را مأمور کرد که او را دستگیر کنند. این طور که در ساعت پنج از شب گذشته در حالی که بی‌چاره در بستر خوابیده بود از بالای بام ریختند به خانه او و عیالش که حامله بود و مانع گردید که نگذارد او را با این وضع ببرند، او را با چوب قداره‌بندی زدند که جنین او سقط شد و یک طفل چهار، پنج ساله او را در حوض انداختند که همان شب زندگانی را وداع گفت و چند نفر از اطفال و بستگان آن بی‌چاره را زخمی و تلف نمودند و اموال و اسباب خانه او را غارت کردند. اگرچه در زمان استبداد بالاتر و بزرگ‌تر از این ظلم به مردم می‌رسید، ولی اسمی رویش می‌گذاشتند، مثلاً می‌گفتند: فلان شخص بابی است خانه‌اش را باید غارت کرد، مالش حلال است، زنش مباح است و اطفالش را باید کشت و یا فلان کس یاغی دولت است و هستی او را باید به باد داد...<sup>۲</sup>

خلاصه در این دوران مسئولیت جزایی مجرم، علاوه بر خود وی به سایر بستگان و اقوام او نیز سرایت می‌کرد، تا این‌که با آغاز فعالیت‌های اصلاحی امیرکبیر و مصلحان بعدی، اصل شخصی بودن مجازات کم‌کم به صورت مدون در مجموعه قوانین و دستورالعمل‌ها درج و به آن عمل شد.

## اهداف مجازات‌ها

امروزه مکتب‌های مختلف، برای اعمال مجازات‌ها هدف‌هایی همچون ارعاب، تلافی‌جویی و تربیت مجدد در نظر می‌گیرند. در بررسی سیر تحولات قضایی دوره قاجار به این نتیجه می‌رسیم که اهداف مجازات‌ها بیش‌تر ایجاد رعب و ترس، عبرت دیگران و سلب قدرت و جسارت اعتراض مردم به سلطنت بوده است.

در کتاب سفری به دربار سلطان صاحبقران نویسنده بیان می‌کند:

در میان طبقات اجتماعی مردم تهران، به طبقه لوطی‌ها و جاهل‌ها برمی‌خوریم که این گروه دائماً در صدد سوءاستفاده بودند و گاهاً شروع به غارت اموال مردم نموده و متعرض زنان

۱. محمد بن علی ناظم‌الاسلام کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان. به اهتمام علی‌اکبر سعیدی سیرجانی، (تهران، بنیاد فرهنگ، ۱۳۴۶)، صص. ۱۹۶-۱۹۹.  
 ۲. همان، صص. ۴۲۲-۴۲۳.



می‌شدند، در چنین مواردی گاهی به جای آن‌که مقام‌های انتظامی با این افراد برخورد کنند، خود نیز شریک آنان و باج‌گیر می‌شدند. مثلاً اوایل ماه فوریه سال ۱۸۶۱م معلوم شد کلاتر تهران محمودخان که خود حدود هفتاد سال داشت با دسته‌ای از لوطی‌ها محرمانه ارتباط داشت و از آن‌ها مرتب باج و رشوه می‌گرفت. وقتی موضوع به ناصرالدین شاه منعکس شد، وی دستور داد که سر او را جلوی خودش زدند و جسدش را به دُم یک قاطر بستند و دور شهر گرداندند...<sup>۱</sup>

در ادامه می‌نویسد:

این عمل به صرف عبرت دیگران انجام می‌شد. البته اگرچه این مجازات هولناک و وحشیانه بود، ولی در این‌گونه موارد، فقط ایجاد ترس و وحشت بود که می‌توانست لوطی‌ها و جنایتکاران را از کار خود بازدارد،

همچنین این نویسنده در جای دیگر اظهار داشته است:

... علت این شدت عمل‌ها و خشونت‌ها در مشرق‌زمین این است که، در این جا قوانین مدون وجود ندارد و ملاکی برای مجازات گناهکاران و اجرای عدالت نیست، تنها ترس و وحشت زیاد است که جلوی تبهکاران و فسادهایی که حتی ممکن است به قحطی و کمیابی نان و گرسنگی مردم بینجامد می‌گیرد<sup>۲</sup> (اشاره به کمبود نان در زمان ناصرالدین شاه و اعتراض مردم به این واقعه).

وی سپس ادامه می‌دهد:

چرا چنین حقی به شاه داده شده که بدون تحقیق و بازپرسی، افراد و مقامات عالی‌رتبه مملکتی را اعدام کند؟ این سرعت و شدت عمل و اعمال مجازات وحشیانه به خاطر این بود که مردم جسارت حمله به قصر سلطنتی را از دست بدهند و با قربانی شدن یک یا چند فرد عالی‌رتبه مملکتی، شاه از سقوط نجات پیدا کند و مردم نیز خدا را شکرگزارند که از خشم و غضب شاه در امان مانده‌اند.<sup>۳</sup>

شبهه این موضوع در سال ۱۸۳۴م و در زمان فتحعلی شاه، زمانی که محمدمیرزا، ولیعهد وی، حکومت تبریز را به عهده داشت نیز اتفاق افتاد. وی وقتی دید که مردم برای قحطی و

۱. هاینریش کارل بروگشن، سفری به دربار سلطان صاحبقران، ترجمه کردبچه، (تهران، اطلاعات، ۱۳۶۷-۱۳۶۸، ص. ۱۸۷).  
۲. همان، ص. ۲۳.  
۳. همان، ص. ۵۶۱.

گرانی نان اعتراض کرده و جلوی دارالحکومه جمع شده‌اند، دستور داد سه تن از تحریک‌کنندگان را در مقابل جماعت معترض دار بزنند، در نتیجه جماعت از ترس خشم والی صحنه را ترک کردند.

## چگونگی بازداشت‌ها و اجرای کیفرها

مجددالاسلام کرمانی در باره نحوه بازداشت و دستگیری افراد می‌نویسد:

هرگاه حاکم یا نایب‌الحکومه یا وزیر نظمی و سایر ادارات عرفیه که سمت مطاعیت بر مردم دارند و بعضی دوایر شرعیه که متصدی امور مرافعه می‌شوند، همین‌که کسی را احضار می‌نمایند، فوراً جمعی به عنوان کس روانه می‌شوند و جهتش این است که فراش در ایران موجب ندارد و شغلش همین است که هر وقت مأموریت پیدا کند یا به احضار کسی برود، جیب و بغل آن شخص را خالی می‌نماید و به اسم قلق و خدمتانه مبلغی می‌گیرد و اگر طرف شخص محترمی باشد، به صیغه انعام و به طور تملق مبلغی دریافت می‌نماید و این طایفه در ایران رذل‌ترین طوایف هستند و مخصوصاً باید مردمان بی سر و پا و نانجیب باشند و خودشان را طوری وقیح و بی حیا جلوه دهند که همه کس از آن‌ها بترسد و به در هر خانه که بروند، اهل آن خانه مثل مردمان مصیبت‌زده شیون می‌کنند و فریاد می‌کنند و شمع و قندیل نذر امامزاده می‌نمایند که از شر این جانوران موذی، جان مفتی بیرون ببرند و لازم نیست آن شخص را که حکومت احضار می‌نماید، مقصر باشد و مرتکب جنایت و خیانتی شده باشد، بلکه همین قدر که برای جواب مدعی طلبی، یا تحقق مطلبی هم وجود او در دارالحکومه لازم شود، همین قسم با او سلوک می‌نمایند و اگر چنانچه (آن شخص) در منزل نباشد، یک دسته فراش می‌ریزند در خانه او و همان‌جا می‌نشینند و هرچه اسباب و اثاث خانه گیرشان بیاید برداشته‌گرو می‌گذارند یا می‌فروشند و وجهش را به بهای شراب و کباب و تریاک و کنیاک و سایر مأكولات و مشروبات می‌دهند، تا وقتی که صاحبخانه بیاید و به اصطلاح متعارف خودشان، تعارف و قلق حضرات را ببرد و تقدیمی حاکم یا فراش را نیز بپردازد و ضمانت حضور و غیاب را بنماید، تا آن‌ها از در خانه بروند و در وقت رفتن از خانه هرچه اسباب سبک‌وزن به دست آن‌ها بیاید حق صدق و ملک طلق خودشان است، همراه خود می‌برند. گاهی هم کسان و بستگان صاحبخانه به یکی از علما یا یکی از وزرا متوسل می‌شوند و او در خدمت حکومت وساطت و شفاعت می‌نماید، آن وقت اگر پذیرفته شود،

مأموری دیگر می‌آید تا آن‌ها را که نشسته‌اند بردارد، ولی باز هم مأمور مزدگانی می‌خواهد و سابقین خدمتانه و قلقانه می‌گیرند... و اگر او را پیدا کردند، دو سه نفر بر بازو و کمر بند او می‌آویزند و دو سه نفر هم او را محاصره نموده، سیلی به صورتش می‌زنند و با چوب و پشت قداره به سر و کله‌اش می‌کوبند و در ضمن جیب و بغل او را خالی می‌نمایند و این ترتیبات به قدری در ایران متداول است که ابداً در انظار عظمتی ندارد و حرف تازه‌ای نیست که جالب دقت تماشاچیان شود و مکرر در روز می‌بینند و می‌گذرند.<sup>۱</sup>

باز هم از زبان همان مورخ در باره فراش‌ها که ضابطان دارالحکومه بوده‌اند آمده است:

این فراش‌ها موجب و شهریه معینی ندارند، بلکه در ماه مبلغی هم به فراش‌باشی و یوزباشی<sup>۲</sup> تعارف می‌دهند که به فراشی پذیرفته شوند و چون فراشی، هیچ قسم هنری و کمالی لازم ندارد، مگر رذالت و دنائت و وحشیگری و فحش‌های غریب و عجیب دادن و اغلب مست بودن و به اندک چیزی متغیر شدن و قداره کشیدن و زخم دادن و از احدی ملاحظه نداشتن لهذا، این صنف از مردم زیادند و در ادارات دولتی بی‌اندازه جمع می‌شوند. نهایت آن‌که فراش‌های دولتی که سرسپرده حاجب‌الدوله<sup>۳</sup> هستند، از دیگران محترم‌تر و اعتبار و افتخارشان بیش‌تر است.<sup>۴</sup>

در باره کیفیت اجرای کیفرها و ویژگی‌های آن با توجه به منابع موجود معلوم می‌شود که:

۱. اجرای کیفرها به کسی که حکم می‌داد بستگی داشت، اگر شاه حکم می‌داد، فراش یا میرغضب آن را اجرا می‌کرد. او حق هیچ‌گونه ترحمی نسبت به مجرم نداشت و حکم باید به شدت تمام اجرا می‌شد.

۲. اجرای حکم به طور معمول در برابر دیدگان عموم صورت می‌گرفت، تا درس عبرتی برای دیگران باشد. وفور اجرای مجازات‌های شدید از جمله مُثله کردن و سر بریدن به حدی در ملاء عام اجرا می‌شد که برای عوام کاملاً عادی و معمولی جلوه می‌کرد. حتی هنگام اجرای چنین مجازات‌هایی، مردم برای دیدن صحنه از خود رغبت و اشتیاق نشان می‌دادند، بدون این‌که از خود بپرسند که این بی‌چاره چه جرمی یا خلافتی مرتکب شده است.<sup>۵</sup>

۱. احمد مجدالاسلام کرمانی، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، مقدمه و تحشیه محمود خلیل‌پور، (اصفهان، دانشگاه اصفهان، ۱۳۵۰)، ص. ۱۰-۱۳.

۲. یوزباشی: اسم مرکب مأخوذ از یوز (به معنی صد) + باش (رئیس و سر) + ی و معنی ترکیبی آن، سردار و رئیس صد نفر است. رئیس صد تن، سردار صد کمون (لغت‌نامه دهخدا).

۳. حاج علی خان حاجب‌الدوله، قاتل امیرکبیر.

۴. تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، صص. ۱۰-۱۳.

۵. ابراهیم فخرایی، گیلان در جنبش مشروطیت، (تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱)، ص. ۴۱.

۳. به محض وقوع و تحقق عملی که خلاف یا جرم تشخیص داده می‌شد، بی‌درنگ رسیدگی صورت می‌گرفت و حکم اجرا می‌شد. سر جان ملکم در این باره نوشته است: «اوامر آنان با دست زور و قدرت اجرا می‌شد.»<sup>۱</sup>

۴. در اجرای کیفرها بیش از همه به ایراد صدمه، ضرب و جرح و عذاب مجرم توجه می‌شد، به عبارت دیگر اجرای مجازات توأم با شکنجه بود. پروفیسور جکسون که در سال ۱۹۰۵م در ایران بود در نحوه اجرای موردی از قانون مجازات که خود نیز حضور داشته است، نقل می‌کند:

همین‌که محکوم را به میدان آوردند، شاگرد میرغضب چنگال‌های آهنین در منخرین او فرو برد و با سختی سر او را به عقب کشید، همان دم میرغضب با یک ضربت شمشیر سر او را از بدن جدا کرد و برای آن‌که زودتر جان بدهد، جسد او را چندین دفعه به زمین کوبید و عجیب این‌که تماشاچی‌ها از این عمل تأثیری بروز ندادند... در شیراز به حکم والی، زبان‌های سه نفر از نانوایان را که نان را قدری گران‌تر از نرخ معمولی فروخته بودند از بیخ بریدند.<sup>۲</sup>

در باره کیفیت اجرای مجازات نسبت به زنان، در کتاب سفری به دربار سلطان صاحبقران در فصل پانزدهم این‌چنین آمده است:

در سال ۱۸۶۰م جوانی توسط پیرزنی، با زن یکی از تجار ارتباط برقرار کرد، به نحوی که پیرزن با مکر و حيله زن جوان را به منزل آن مرد برد و مرد چند روزی با خدعه، زن را در صندوق حبس کرده و بارها مورد تجاوز قرار داده بود و نهایتاً زن با خوردن مقداری تریاک خودکشی نمود. با فاش شدن قضیه، مرد را در ملاء عام توسط میرغضب سر بریدند. اما پیرزن نیز از مجازات نجات پیدا نکرد، در ایران معمولاً زنان تبهکار را با چاقو یا وسایل دیگری نمی‌کشند، بلکه در کیسه‌ای انداخته و از بالای یک برج یا بام بلند به زمین سنگفرش می‌اندازند تا بدنش خرد شود، پیرزن را هم به همین ترتیب از بالای برج در بیرون دروازه به زمین انداختند.<sup>۳</sup>

۵. احکام صادره در دو صورت اجرا نمی‌شد؛ یکی پرداخت رشوه بود، بدین ترتیب که مثلاً تازیانه‌ها به جای اصابت به پای مقصر، به چوب فلک زده می‌شد. دیگری عفو بود که آن هم مسبوق به پرداخت وجوه پیشنهادی بود. در کتاب سرگذشت حاجی بابای اصفهانی حقایق زمان، عریان بیان شده و به دادخواهان چنین اندرز داده شده است:

۱. تاریخ ایران، ج ۲، ص. ۴۲۶. ۲. سفرنامه جکسون؛ ایران در گذشته و حال، ص. ۳۱۸.

۳. سفری به دربار سلطان صاحبقران، صص، ۵۸۸-۵۹۰.

... مگر نمی‌دانی که هر که را زر در ترازوست، زور در بازوست و هر که را زر در دست است، حق در دست است و اگر تمام سور و آیات قرآن و احادیث و اخبار و اقوال نبوی، به دادخواهی برخیزند، ولی، زر دست نباشد و جیب و کیسه خالی باشد، با مدعی مالدار نمی‌توانی طرف شوی، کار او سکه است و کار تو نقش بر آب...<sup>۱</sup>

---

۱. جیمز جاستینین موریه، سرگذشت حاجی بابای اصفهانی، ترجمه مهدی افشار، (تهران، انتشارات علمی، ۱۳۷۶)، ص. ۲۴۹.